

قدردانی

در آماده‌سازی این مقالات برای چاپ افرادی یاری کرده‌اند که باید از همه آنان سپاسگزاری کرد. کار تایپ این اثر را برنادت هینی^۱ آغاز کرد و برایان بلکمن^۲، رزمی لیورمور^۳، و بورلی فرایر^۴ آن را عمدتاً ادامه دادند. باربارا وینتر^۵ و لیزا بلیس^۶ کار عکاسی از اشیاء موزه بریتانیا را به انجام رساندند و ان سیرایت^۷ نقشه‌ها را ترسیم کرد. کارولین جونز^۸ از انتشارات موزه بریتانیا ویراستار نمونه‌ای است و بیشتر اعتبار این کتاب مرهون اوست. در آخر بسیار خوشنودیم که مجدداً سپاس خود را از ریموند و بورلی سکلر^۹ خاطرنشان سازیم که گذشته از تأمین هزینه این سمینار، مشوق چاپ مطالب آن نیز بودند.

-
1. Bernadette Heaney
 2. Brian Blackmun
 3. Rosemary Livermore
 4. Beverly Fryer
 5. Barbara Winter
 6. Lisa Bliss
 7. Ann Searight
 8. Carolyn Jones
 9. Reymond and Beverly Sackler

پیشگفتار

جان کرتیس

این کتاب مجموعه مقاله‌های ارائه شده در چهارمین سمینار موزه بریتانیاست که به یاد ولادیمیر جی. لوکونین^۱، پژوهشگر برجسته روسی منعقد گردید. وی تا پیش از مرگ ناگهانی‌اش در سال ۱۹۸۴ سرپرست بخش شرقی موزه ارمیتاژ بود. موضوع سمینار، که در ۱۴ جولای ۱۹۹۷ برگزار شد، «بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی» است، که از حسن اتفاق حوزه اصلی تخصص لوکونین به شمار می‌رود. شش پژوهشگر (شکل ۱) برای گفتگو درباره جنبه‌های گوناگون این موضوع گرد آمدند. پس از مقدمه کوتاه جان کرتیس، پروفیسور ریچارد فرای از دانشگاه هاروارد با مروری بر تاریخ دوران اشکانی و ساسانی زمینه بحث را آماده و وستا سرخوش کرتیس، از بخش سکه‌ها و نشانهای موزه بریتانیا، درباره فرهنگ و جامه اشکانی سخنرانی کرد. سپس جرجینا هرمن از کالج دانشگاهی لندن، و پرودانس هارپر از موزه هنر متروپولیتن در نیویورک، به ترتیب نقوش برجسته ایران در دوره ساسانی و ظروف نقره آن دوره را تشریح نمودند. جان سیمپسون^۲ از بخش عتیقه‌جات غرب آسیا^۳ در موزه بریتانیا به هنر و صنعت ساسانی پرداخت و گیتی آذرپی از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی با بررسی هنر ساسانی در آسیای مرکزی برنامه را به پایان رساند. ادامه برنامه سمینار پذیرایی و شام سالانه «دوستان خاور نزدیک باستان»^۴ بود که حامیان بخش عتیقه‌جات غرب آسیا هستند.

-
1. Vladimir G. Lukonin
 2. John Simpson
 3. Department of Western Asiatic Antiquities
 4. Friends of the Ancient Near East

شکل ۱ سخنرانان چهارمین سمینار یادواره لوکونین در ۱۴ جولای ۱۹۹۷، از چپ: گیتی آذرپی، جرجینا هرمن، ریچارد فرای، پرودانس هارپر، سنت جان سیمپسون و وستا سرخوش کرتیس.

این سمینار چهارمین و آخرین مورد از مجموعه‌ای بود که در خصوص ارتباطات بین‌النهرین و ایران از ۳۵۰۰ ق.م. تا آغاز دوره اسلامی در قرن هفتم میلادی بحث می‌کرد. مقالات سه سمینار پیشین منتشر شده است و با این مجلد انتشار همه مقالات ارائه شده در این سمینارها کامل می‌گردد.

این چهار سمینار یک سال در میان برگزار و مابین هر دو سال به یادبود ولادیمیر لوکونین سخنرانی‌هایی ایراد شد. چنان‌که در ۱۵ جولای ۱۹۹۶ بین سمینار

سوم و چهارم، افتخار استماع سخنرانی پروفیسور بوریس مارشاک^۱ (شکل ۲) از شکل ۲ بوریس مارشاک، که در سال ۱۹۹۶ در یادواره لوکونین سخنرانی کرد.

1. Boris Marshak

موزه ارمتاژ در سنت پترزبورگ را داشتیم. وی از سال ۱۹۵۸ از اعضای بخش شرقی بوده است و اینک مسئول مجموعه آسیای مرکزی و نقره آلات ساسانی است. او به سبب حفاریهایش در محوطه سغدی پنجیکنت^۱ در تاجیکستان - که نقاشیهای دیواری جالبی در آنجا یافت - شهرت دارد. این آثار تصویری، موضوع سخنرانی وی با عنوان «تصاویری از جهان در هنر ایرانیان اوایل دوران میانی» بود. مارشاک نشان داد که هنر سغد، تخارستان (بلخ) و ایران در قرون ششم تا هشتم میلادی درون مایه‌ای جهانی داشته است با هنرمندانی که در پی بیان این دیدگاه بودند که مردم نیازمند حمایت از سوی همه عناصر جهان‌اند. نشانه‌هایی از این مفهوم در دوران اولیه در این سرزمینها وجود دارد، اما فقط پس از سال ۵۰۰ میلادی در ایران و تخارستان و پس از سال ۶۵۰ میلادی در سغد است که شمار زیادی از آثار هنری با نقوش یا نمادهایی از کل جهان به دست آورده‌ایم.

در نقاشیهای قصرها و منازل شاهزادگان، اشراف و بازرگانان در سغد، پنجیکنت و سمرقند و ورخش^۲ انواع ایزدانی را می‌توان دید که خدایان حامی صاحب‌خانه محسوب می‌شدند. این خدایان، که گاه با نمادهایی چون خورشید و ماه نشان داده شده‌اند، به شکل قهرمانان اسطوره‌ای، نجیب‌زادگان بزم‌گستر و شکارچی در همجواری نزدیکی با جهان بشری ترسیم شده‌اند. این نقاشیها نمادی از شرکت کل جهان در آیینها و جشنهای خانوادگی صاحب‌خانه است.

نقوش برجسته روی تخته‌سنگ سه مقبره در شمال چین، متعلق به نیمه دوم قرن ششم میلادی، مهاجران سغدی را در میان نمایندگان کشورهای گوناگون نشان می‌دهند که در مراسم تدفین یا یادبود شرکت داشتند و بدین ترتیب باز هم جهان‌شمولی را به تصویر کشیده‌اند.

در ایران دوره ساسانی نقوش روی ظروف نقره ترکیبی از موجودات گوناگون با عناصر متنوعی از جانوران و پرندگان را در بر دارد که نمادی از یگانگی همه انواع آفرینش‌اند. همچنین موجوداتی در ترکیب با آب، کوهستان، درختان و

1. Penjikent

2. Varakhsha

گیاهان وجود دارد. به‌ویژه نمادهای تمثیلی روز و شب و چهار فصل در هنر ساسانی از محبوبیت خاصی برخوردار است. نقوش برجسته غار بزرگ طاق بستان اقتدار جهانی پادشاه ساسانی را نشان می‌دهند که در زمین و آب و در جنگ و صلح پیروز بود. سپس، پس از چهارمین سمینار، در ۱۴ جولای ۱۹۹۸، افتخار خوشامدگویی به دکتر میخائیل پیوتروفسکی^۱، مدیر موزه ارمیثاژ از سال ۱۹۹۲، را داشتیم که ششمین سخنرانی یادواره لوکونین را ایراد نمودند. این سخنرانی بسیار بجا بود؛ زیرا بوریس پیوتروفسکی، پدر وی که عضو آکادمی و مدیر موزه ارمیثاژ از سال ۱۹۶۴-۱۹۹۰ بود، نخستین سخنرانی یادواره لوکونین را در سال ۱۹۸۹ با موضوع «ایران باستان و قفقاز» ایراد کرده بود. دکتر پیوتروفسکی درباره «تمدنهای ایرانی و مجموعه‌های مرتبط با آن در موزه ارمیثاژ» سخن گفت که این بحث به سبب انتشار کتاب جرال‌دین نورمن^۲، با نام *The Hermitage: the Biography of a Great Museum* (ارمیثاژ: سرگذشت یک موزه بزرگ) (لندن ۱۹۹۷)، موضوع روز بود. وی توصیف مجموعه‌های ایرانی موزه ارمیثاژ را با اشیاء هخامنشی و یونانی - بلخی موجود در مجموعه معروف سیریایی پیتر بزرگ آغاز کرد و با صحبت درباره بعضی از مهم‌ترین آثار مجموعه ادامه داد. از جمله ظروف نقره‌ای بی‌نظیر ساسانی، ریتونهای عاجی نساء در نزدیکی عشق‌آباد در ترکمنستان، دیوارنگاره‌های پنجیکنت در تاجیکستان، فرش پازیریک، و هنر اسلامی و نسخ خطی تذهیب‌دار. او شرح داد که پس از انقلاب کارشناسان مطالعات شرقی بیش از پژوهشگران دیگر رشته‌های علوم انسانی از آزادی عقیدتی بهره‌مند شدند که باعث گردید افراد شاخصی از موزه ارمیثاژ به این رشته علاقه‌مند شوند. آنها عبارت بودند از یاکوف اسمیرنوف^۳، یوسف آربلی^۴، که از سال ۱۹۳۴-۱۹۵۱ مدیر موزه بود، کامیلا تریور^۵، لئون گیوزالیان^۶،

-
1. Mikhail Piotrovsky
 2. Geraldine Norman
 3. Yakov Smirnov
 4. Iusif Orbeli
 5. Camilla Trever
 6. Leon Gyuzalyan

ولادیمیر لوکونین و یوگنی زیمل^۱، همچنین شماری از پژوهشگران که هنوز در قید حیات‌اند. این سخنرانی با ذکر حکایت‌هایی جالب روح تازه‌ای یافت. از جمله داستانی که احتمالاً غیر واقعی است و درباره‌ی حمایت آربری از همکارانش بود. کمیته منطقه‌ای حزب کمونیست زمانی وی را برای پاسخگویی به این اتهام فرا خواند که چرا تعداد زیادی از کارکنان موزه‌ی ارمیتاژ متعلق به خانواده‌های اشرافی‌اند. آربری پاسخ داد که خود از تبار نجیب‌زادگان قفقاز است که اصل و نسبشان تا هفت یا هشتصد سال پیش می‌رسد، بنابراین نباید از او انتظار داشته باشند که چیزی درباره‌ی اشراف روسی فقط با چهار یا پانصد سال سابقه بداند. مقامات حرفشان را پس گرفتند و بر این اتهام پافشاری نکردند. وفاداری آربری به کارکنانش برایش بی‌فایده نبود؛ زیرا بنا بر اقوال ظاهراً در مورد دیگری گیوزالیان از امضای مدرک اتهامی که به آربری نسبت داده شده بود، امتناع کرد.

چنان که شرکت کنندگان این سمینار و خوانندگان این مجلدها کاملاً آگاه‌اند، سمینارها و سخنرانیهای یادواره‌ی لوکونین مرهون هدیه سخاوتمندانه‌ی ریموند و بورلی

سکلر است. آنها در هزینه تولید این کتابها نیز شرکت دارند و راه‌اندازی مجموعه‌ای از گالریهای جدید در موزه‌ی بریتانیا را به عهده گرفتند که آخرین گالری به نواحی شرق مدیترانه در دوران باستان اختصاص داشت و در ۱۶ جولای ۱۹۹۸ (شکل ۳) افتتاح شد. از این رهگذر آنها به مطالعات خاور نزدیک باستان کمک فراوانی کرده‌اند. اما حمایت و علاقه آنها به اینجا ختم نمی‌شود. چنان که در مجلد آخر آمده است، آنها در سال ۱۹۹۷

شکل ۳ ریموند و بورلی سکلر (راست) همراه با آقا و خانم اگرمنت در افتتاحیه گالری شرق مدیترانه باستان در ۱۶ جولای ۱۹۹۸.

برنامه پژوهشی ریموند و بورلی سکлер در زمینه مطالعات ایران باستان را راه‌اندازی کردند. این برنامه به موزه بریتانیا امکان داد تا با در نظر گرفتن کمک هزینه تحصیلی سالانه برای پژوهشگران جوان به مدت شش ماه آنها را در بخش عتیقه‌جات غرب آسیا به کار گمارند. نخستین دارندگان هزینه تحصیلی به ترتیب کاترین روتن^۱ از دانشگاه گنت^۲ و گابریل پوشنیگ^۳ از کالج دانشگاهی لندن بودند.

موزه بریتانیا و دانشجویان باستان‌شناسی ایران از خانم و آقای سکлер بسیار سپاسگزارند و سخاوت و نوآوری آنان را سرمشقی برای دیگران می‌دانند، بدین ترتیب با خشنودی اعلام می‌کنیم که بنیاد میراث ایران^۴ در لندن هزینه‌هایی تحصیلی را نیز تقبل کرده است. این هزینه‌ها همان بورسهای سالانه IHF در موزه بریتانیاست و برای پژوهشگران ایرانی امکان مطالعه سه‌ماهه در موزه بریتانیا را فراهم می‌کند. نخستین بورس تحصیلی را خانم زهرا جعفرمحمدی از موزه ملی ایران در تهران به سال ۱۹۹۸ دریافت کرد.

هرچند گزارش چنین پیشرفتهایی موجب خوشحالی است؛ درعین حال باستان‌شناسی ایران دچار ضایعاتی نیز شده است. اولاً درگذشت علی حاکمی، حفار شهداد، در هفتم جولای ۱۹۹۷ در رم است. او واپسین سالهای عمرش را در لندن گذراند و همواره در سخنرانیها و سمینارهای لوکونین شرکت داشت. نفر دوم، دکتر یوگنی زیمل، رئیس مجموعه خاور نزدیک باستان و مجموعه هلنی شرق در بخش شرقی موزه ارمیتاژ در سنت پترزبورگ است که در ششم می سال ۱۹۹۸ درگذشت. یاد وی به سبب کارهایش در زمینه سکه‌های آسیای مرکزی و گنجینه جیحون در خاطر خواهد ماند. او همکار و دوست نزدیک ولادیمیر لوکونین بود و گرچه هرگز نتوانست در سخنرانیها و سمینارهای یادواره لوکونین شرکت کند، حامی پرشور ابتکاراتی بود که به تأسیس صندوق ایران باستان و ایراد سخنرانیها و سمینارهای یادواره لوکونین انجامید.

1. Katrien Rutten
 2. Gent
 3. Gabriele Puschnigg
 4. Iran Heritage Foundation

در آخر، باید با تأسف ابراز کنیم که در مراحل پایانی آماده‌سازی کتاب، برنات هنری (شکل ۴) را از دست دادیم. مرگ غم‌انگیز وی در سن ۴۱ سالگی و بر اثر بیماری سرطان در دهم مارس ۱۹۹۹ رخ داد. وی در سامان بخشیدن به سمینارها و سخنرانیهای یادواره لوکونین و تهیه مجلدات بعدی برای چاپ نقش مهمی داشت. برنات در هفده فوریه ۱۹۵۸ در نزدیکی سوينفورد^۱ در کانتی میو^۲، در جمهوری ایرلند به دنیا آمد. او در سال ۱۹۷۸ کارش را در موزه بریتانیا آغاز کرد و در سال ۱۹۷۹ به بخش عتیقه‌جات غرب آسیا منتقل شد. وی در آنجا به‌طور متوالی منشی مخصوص سه موزه‌دار گروه، ادmond سولبرگر^۳، ترنس میچل^۴ و من «جان کرتیس» بود. متأسفانه جای او خالی است و این مجلد به او تقدیم می‌شود.

شکل ۴ برنات هنری (۱۹۵۸-۱۹۹۹).

1. Swinford
2. County Mayo
3. Edmond Sollberger
4. Terence Mitchell

مقدمه

جان کرتیس

سمینارهای پیشین این مجموعه به روابط بین‌النهرین و ایران در سالهای ۱۶۰۰-۳۵۰۰ ق.م.، سپس ۱۶۰۰-۵۳۹ ق.م. پرداخته و سمینار اخیر در سال ۱۹۹۵ مربوط به دوران هخامنشی است. در این سمینار کار از دوران اشکانی و ساسانی تا فتح مسلمانان در قرن هفتم میلادی ادامه می‌یابد. هرچند این بدان معناست که دوره هلنی به مدت ۲۰۰ سال، از حدود ۳۳۱ تا ۱۴۱ ق.م. از قلم افتاده است؛ اما کوشیده‌ایم برای بررسی آن و جبران این افتادگی، در این مقدمه کوتاه بر این موضوع متمرکز شویم.^(۱)

داستان فتح اسکندر در شرق مشهور است. او در سال ۳۳۴ ق.م. با سپاه مقدونی از هلسپونت^۱ عبور کرد و سپاهیان داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، را نخست در کنار رودخانه گرانیکوس^۲ سپس در ایسوس^۳ و سرانجام در سال ۳۳۱ ق.م. در گامگاملا^۴ در شمال عراق، شکست داد. این شکست نهایی به‌طور واضح روی یک کاشی در پمپی^۵ نشان داده شده است. گامگاملا را امروزه با روستایی به نام گوگومل^۶ یا تل گومل^۷ یکی می‌دانند (Reade 1998: 65-6). در واقع این روستا در ۶۰ کیلومتری اربیل واقع است و به شهری که اغلب از آن یاد می‌شود نزدیک نیست. داریوش به شرق ایران گریخت و سرانجام در نزدیکی دامغان، مردی که زمانی حامی اش بود با ضربه خنجر او را به قتل رساند.

-
1. Hellespont
 2. Granicus
 3. Issus
 4. Gaugamela
 5. Pompeii
 6. Gogomel
 7. Tell Gomel

پس از فتح گامگاملا راه اسکندر برای پیشروی به جنوب بین‌النهرین و سپس ایران باز شد. او نخست شوش را غارت کرد و سپس تخت جمشید را به آتش کشید. در این زمان سراسر بین‌النهرین و بیشتر قسمت‌های فلات ایران در اختیار او بود. با این حال پس از مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م، فرماندهان سپاه وی بر سر تقسیم شاهنشاهی او به نزاع برخاستند. سلوکوس^۱ در شرق به پیروزی رسید و بین‌النهرین و ایران بخشی از شاهنشاهی سلوکی شد که از سلوکیه^۲ در کنار دجله در بین‌النهرین اداره می‌شد. ضربخانه‌هایی برای ضرب سکه در سلوکیه، نسی بیس^۳، بابل، شوش، اکباتان (همدان)، انطاکیه^۴ (اسپاسینو خاراکس)^۵، هکاتوم پیلوس^۶ (شهر قومس)، و دورتر در شرق، در بلخ ایجاد شد (Mørkholm 1991: 117, map 4). در عین آنکه نظارت سیاسی شدیدی اعمال می‌شد چند سلسله محلی امکان رشد یافتند.

در مورد تأثیر هلنیسم بر خاور نزدیک بحث‌های زیادی شده، ولی این موضوع همچنان حل نشده مانده است. اما می‌توان گفت که در شماری از محوطه‌های جنوب بین‌النهرین، در مراکز قدیم و تازه تأسیس، مدارکی از تأثیر قوی هلنیسم دیده می‌شود. کاربرد زبان یونانی، پول و تأثیر آن بر هنر و صنعت خرد، و بناهایی به سبک یونانی از جمله ورزشگاهها و تماشاخانه‌ها، مؤید این واقعیت است. دورا اروپوس^۷، سلوکیه کنار دجله، بابل، بورسیپا^۸، وارکا^۹ و نیپور از جمله مراکزی هستند که این نوع تأثیرگذاری را نشان می‌دهند. در سلوکیه کنار دجله خیابان کشتی براساس طرح شبکه‌بندی ویژه یونانی یا هیپودامی^{۱۰} را به روشنی می‌توان دید (Quarantelli 1985: fig. on p. 89). همچنین بسیاری از یافته‌های کوچک از

1. Seleucus
2. Seleucia
3. Nisibis
4. Antioch
5. Spasinu Charax
6. Hecatompylus
7. Dura Europos
8. Borsippa
9. Warka
10. Hippodamean

شکل ۵ خاور نزدیک باستان و نواحی پیرامون.

سلوکیه، همچون پیکره سنگی به شکل زنی برهنه که لم داده است و پیکرک زنی با جامه مخصوص یونانی از جنس سنگ آهک شواهدی از تأثیر هلنی هستند (Quarantelli 1985: nos 233-4, figs on pp. 341, 343)، گرچه بعضی از آنها در واقع به دوره اشکانی تعلق دارند. این مطلب درباره پیکره هرکول، رب النوع یونانی، که در سلوکیه کشف شد نیز صدق می‌کند. این پیکره کتیبه یونانی بلندی به همراه دارد که مربوط به ۱۵۰-۱۵۱ میلادی است و طبق آن بلاش^۱ سوم یا چهارم پس از پیروزی بر مهرداد، پادشاه محلی، آن را از میسن^۲ به غنیمت آورد و در معبد آپولو نصب کرد (Quarantelli 1985: no. 231, figs on pp. 340-41). در بابل تماشاخانه تخریب نشده‌ای با نقشه و گچ‌بری‌هایی به سبک یونانی وجود دارد (Koldewey 1914: figs 253-4). تعداد زیادی پیکرک گلی و سنگی که تأثیر هلنی را به وضوح نشان می‌دهند از بابل کشف شده است. برای مثال، در مجموعه موزه بریتانیا پیکره سنگی زنی با جامه یونانی (BM 91593) وجود دارد و پیکره‌های قالبی گلی در این موزه اروپ^۳ را سوار بر گاو نشان می‌دهد، با جامه یونانی و قبای کوتاه روی آن، همراه با دو کودک که در حال نواختن آلات موسیقی هستند (BM 91782, 121207, 91794; Karvonen-Kannas 1995: nos 85, 274, 326, pls 55, D, F). همچنین از بابل اشیائی مرمین به دست آمده است که ظاهراً ادویه‌دان بوده‌اند. کتیبه یونانی روی آنها گویای آن است.

دوره سلوکی در بابل زمان شکوفایی علم و ادبیات بود چنان که تعداد زیادی از لوحه‌های گلی به جای مانده که بیشترشان از بابل هستند، گواه این امرند. گذشته از متون مربوط به ریاضیات، نجوم و پزشکی، متون دیگری وجود دارد که رویدادهای تاریخی را فهرست کرده است و حتی لوحه‌های مشق شاگردان نیز در این میان دیده می‌شود. در یکی از این لوحه‌ها (BM 34816) یک طرف آن تعویذهایی برای دفع ارواح خبیث به خط سومری و بابلی نوشته شده و در طرف دیگر متنی با حروف

1. Vologases
2. Mesene
3. Europa

شکل ۶ بین‌النهرین و ایران همراه با مهم‌ترین مکانهای یاد شده در متن.

یونانی تحریر شده است. در بین لوحه‌های مهم‌تر مجموعه موزه بریتانیا به لوحه‌ای متعلق به سال ۱۶۴ ق.م. بر می‌خوریم که حاوی ملاحظاتی درباره ستاره‌هالی است (BM 41462)، و در لوحی دیگر فهرستی از نام شاهان هلنی و سلوکی از اسکندر تا آنتیوخوس دوم حک شده است (BM 35603).

وضعیت شمال عراق مبهم‌تر است. اینجا نیز مدارکی از استقرار هلنی در بیشتر محوطه‌های مهم وجود دارد، اما اثری از بناهای بزرگی که در بابل یافت شده است، دیده نمی‌شود. مثلاً در نیمرود^۱ گروهی از روستاهای هلنی در محوطه معبد نبو^۲ وجود دارد. دیوید و جوان اوتس^۳ در سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ آنها را حفاری کردند (Oates, D. and J., 1958). سفالهای هلنی فراوانی یافت شد، از جمله دسته‌های کوزه‌های مهور با نوشته‌های یونانی و کوزه‌های بزرگ ذخیره مواد، چند پیکره و سکه هلنی. مقداری سفال هلنی نیز در محوطه‌های آشوری سابق از جمله بالوات^۴ یافت شد. بی‌تردید نشانه‌هایی از دوره هلنی در نینوا وجود دارد، اما احتمالاً به سبب سابقه فراز و نشیب حفاری در این محوطه، تصویر کلی آن روشن نیست (Reade 1998).

وضعیت در حومه شهر نیز مبهم است، اما حفاریهای اخیر به‌ویژه در محوطه اسکی موصل^۵ پرتوی بر آن افکنده است. هیئت موزه بریتانیا که مشغول اجرای طرح نجات سد اسکی موصل اند، دو محوطه هلنی کوچک معروف به تل دیر سیتون^۶ و گری درکی^۷ را حفاری کرده‌اند (Curtis, Green and Knight 1987-8). در تل دیر سیتون، واقع در برونزد پستی که سه طرف آن را وادی احاطه کرده است، پیهایی سنگی بنایی مستطیل شکل با حدود ۱۸ متر طول کشف شد. دیوارها حدود یک متر قطر داشتند که در یک روستای معمولی کوچک کاملاً غیر عادی بود. بنابراین به

-
1. Nimrud
 2. Nabu
 3. David & Joan Oates
 4. Balawat
 5. Eski Mosul
 6. Tell Deir Situn
 7. Grai Darki

نظر می‌رسد که این بنا دژی کوچک یا شاید پایگاهی نظامی بوده است. در بنای تل دیر سیتون مقدار زیادی سفال یافت شد. این سفالها شامل نمونه‌های منقوش با رنگهای قرمز یا مشکی و کاسه‌ها و بشقابهای ماهی شکل از نوع خاص دوره هلنی هستند. برخی از قطعات مزین به نقشهای مختلفی از گل و گیاه‌اند. کشف شادی‌بخش سکه‌ای مربوط به آخرین مرحله این بنا مؤید تاریخ هلنی این محوطه است. این سکه به الکساندر بالاس^۱ (۱۴۵-۱۵۰ ق.م.) تعلق دارد و در انطاکیه ضرب شده است. در پشت سکه نقش برهنه آپولو با تیروکمانی در دست دیده می‌شود. یافته‌های دیگر تل دیر سیتون شامل مجموعه‌ای از وزنه‌های سفالین دستگاه بافندگی است که در بالای بیشتر آنها مهرهای بیضی شکل دیده می‌شود، همچنین یک چراغ سفالی با تزئین «دم ماهی» و پیکره سفالی مردی با تونیک کمردار که ردایی بر دوش دارد. در محوطه مجاور گری در کی نیز مجموعه‌ای غنی از سفال نوع هلنی به شکلهای جالب و تکه سفالهای منقوش کشف شد. در گری در کی دو گودال مدور بزرگ نیز پیدا شد که گمان می‌رود در اصل سیلو بوده‌اند.

جالب است که در این ناحیه محوطه‌های دیگری با استقرار هلنی وجود دارد، اما محوطه‌های دوران پیش و پس از آن کمترند. یک توجه احتمالی این است که این ناحیه در دوران باستان نیز، مانند اکنون، تقریباً پهناور و غیرقابل کنترل بوده و فقط در دوره هلنی امنیت کافی برای دلگرم کردن مردم به استقرار دائمی برقرار بوده است. این امر وجود دژ در تل دیر سیتون را نیز توجیه می‌کند. همچنین وجود سیلوهای غلات در گری در کی - و محوطه‌های دیگر ناحیه - ظاهراً نشان‌دهنده بهره‌برداری از منابع غنی کشاورزی ناحیه در این زمان است.

آثار و نشانه‌های دوره سلوکی در ایران مبهم‌تر از بین‌النهرین است، با این حال حجم رو به رشدی از مدارک در دست است. به‌هر حال از ساخت و بازسازی شهرهای هلنی از جمله در شوش، همدان، ری و شهر قومس آگاهیم. در نواحی دورتر جنوب دلایل اقتصادی موجب تأسیس شهرهای پیرامون دماغه خلیج فارس

1. Alexander Balas

شد از جمله در جزیره ایکاروس^۱ (فیلکه^۲ امروزی) و اسپاسینو خاراکس. در حفاریهای اخیر دکتر محمدرحیم صراف در همدان بنای بزرگی بیرون آمد که چه بسا هلنی باشد (Sarraf 1997: fig. 4)^(۳) اما تعداد اندکی سفال و اشیاء کوچک پیدا شد. این اشیاء در شوش که شهری یونانی یا پولیس با بنای شهری یونانی، با ورزشگاه و جز آن بود، بیشترند. مدارک حضور یونانیان حتی در حفاریهای اولیه این محوطه که باستان‌شناس انگلیسی، د. ک. لوفتوس^۳ در سالهای ۱۸۵۰-۱۸۵۲ انجام داد، نیز یافت شد. مثلاً لوفتوس در بخش جنوبی «شهر شاهی»^۴ معروف به «زندان»^۵، ستون کوچکی با پایه مربع شکل یافت که کتیبه‌ای یونانی بر آن حک شده بود (Curtis, J. E., 1993: 11, pl. 76). این کتیبه را پیتاگوراس^۶، پسر آریستارخوس^۷، به یادبود دوستش حاکم یونانی شوش برپا کرده بود. از آنجایی که کتیبه وارونه بود لوفتوس فکر کرد که آن را به همین نحو نوشته‌اند، اما به احتمال زیاد بخشهایی از ستون هنگام کشف در وضعیت اولیه نبوده است. لوفتوس از پیکرک مرمرین کوچک زنی با جامه‌ای یونانی نیز دو قطعه یافت که جامه‌ای یقه هفت زیر شنلی یونانی بر تن داشت (Curtis, J. E., 1993: 26, no. 77, pls 11a, 18e)^(۳).

چندین معبد در دوره هلنی ساخته شد که رواج آینهایی جدید را نشان می‌دهند. چنان که در کتیبه‌ای سنگی از آنتیوخوس سوم، متعلق به سال ۱۹۳ ق.م، اجرای آیینی در نهادند برای همسرش، لائودیکنا^۸، گزارش شده است. از حفاریهای اورل استین^۹ در معبد شمی^{۱۰} که تا دوران اشکانی برپا بود، قطعاتی از سری مفرغی یافت شد که آن را پادشاه سلوکی، احتمالاً آنتیوخوس چهارم (۱۷۵-۱۶۴ ق.م)^(۴).

1. Ikaros
2. Failaka
3. W. K. Loftus
4. Ville Royal
5. Donjon
6. Pythagoras
7. Aristarchus
8. Laodicea
9. Aurel Stein
10. Shami

می‌دانند (Stein 1940: 150-1, pl. IV). پیش از این گمان می‌رفت که دو ستون قائم با سر ستونهای یونانی در خورده^۱ در جنوب غرب قم، بخشی از معبدی هلنی است (Herzfeld 1941: 283-6, pls LXXXVIII-LXXXIX)، اما باستان‌شناسان اینک معتقدند که آنها به کاخ کوچکی از دوره اشکانی تعلق دارند (Rahbar 1999).

شیر سنگی مشهور همدان، که متأسفانه بسیار فرسایش یافته، در زمرة دیگر آثار یادمانی دوره هلنی است. ساکنان همدان به ویژه زوجهای جوان از آن بسیار بازدید می‌کنند. هنر لوشی^۲، پژوهشگر آلمانی، به نحوی قانع‌کننده اظهار می‌دارد که این شیر به فرمان شخص اسکندر به یادبود هفستئون^۳، فرمانده وی که در همدان درگذشت، برپا شده است. او آن را مشابه شیرهای بناهای یادمانی کرینه^۴ و آمفی‌پولیس^۵ در یونان نیمه دوم قرن چهارم ق.م. می‌داند (Luschey 1968). سپس پیکره هرکول را در حالت لمیده در بیستون داریم (Colledge 1977: fig. 39). در کتیبه‌ای تاریخ آن ۱۴۸ ق.م. آمده است، یعنی درست پیش از تصرف همدان توسط سپاهیان اشکانی در زمان مهرداد اول، اتفاقاً سر این پیکره چند سال پیش به سرقت رفت، اما خوشبختانه آن را یافتند.

اینها آثار یادمانی چشمگیری به شمار می‌روند؛ اما اغلب حضور و تأثیر هلنی غالباً از طریق اشیاء سفالی و تکه سفالها که اشیاء معمولی تری هستند، ثبت شده است. این امر در مورد پاسارگاد، پایتخت مهم هخامنشیان که در آنجا مقدار قابل توجهی سفال هلنی در تلّ تخت یافت شد، صدق می‌کند (Stronach 1978: 183-5, figs 106-22). در تخت جمشید، در دشت زیرسکو، بقایای بناهایی از جمله یک معبد، وجود دارد که به فرترک^۶ نسبت داده می‌شود که پادشاهی محلی در دوران هلنی و اشکانی بود (Colledge 1977: fig. 16c).

شاهنشاهی سلوکی در شرق از نیمه قرن سوم به بعد تحت فشار روزافزون

-
1. Khurheh
 2. Heinz Luschey
 3. Hephaestion
 4. Chaeronea
 5. Amphipolis
 6. Frataraka

سلسله ایرانی اشکانیان قرار گرفت و در حدود ۱۴۱ ق.م. اشکانیان تقریباً به‌طور کامل زمام اختیار ایران و بین‌النهرین را به دست گرفتند. به نظر هرتسفلد (1941: 275) «در تاریخ پنج هزار ساله خاور باستان وقفه‌ای عمیق‌تر از تسلط اسکندر بر این ناحیه نمی‌توان یافت، چه پس از این دوره هیچ شیء باستانی‌ای بدون اثر مهر آن یافت نمی‌شود.»^(۵) مطمئناً این اغراق است، اما بی‌تردید در دوران اشکانی و ساسانی تأثیر هلنی بیشتری را می‌توان تشخیص داد. با این حال، این تأثیر به تدریج از بین رفت و اینکه هلنیسم تأثیری ماندگار بر شرق گذاشته باشد، قابل بحث است. اما یاد شخص اسکندر در خاطرها زنده ماند. نقش او را اغلب در مینیاتورها ترسیم کرده‌اند و بعدها در ادبیات ایران او را برادر ناتنی داریوش سوم خوانده‌اند (Curtis, V. S., 1993b: 56-9)

یادداشتها

۱. برای بررسیهای کلی دوره هلنی ن.ک: Kuhrt and Sherwin-White 1987, Sherwin-White and Kuhrt 1993, and the *Cambridge History of Iran* 3 (I) (Cambridge 1983).
۲. همچنین ن.ک: Curtis, V. S., and Simpson 1997: 139-40 and Boucharlat 1998.
۳. برای بررسی مختصر حفاریهای بعدی فرانسویان در لایه‌های هلنی شوش ن.ک: Amiet 1988: 139-45.
۴. برای ارجاعات ن.ک: Sherwin-White 1984.
۵. با سپاس از مایکل روف برای خواندن این بخش و یادآوری این نقل قول به من.